«فرهیختگان» براساس دو گزارش پژوهشی بررسی کرد

برآورد انتظارات تورمی؛ یک ضرورت مهم در کنترل تورم

شنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۲
شماره ۴۰۹۲
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

فرهیختگان **تورم انتظاری یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی است که اهمیت بسیار زیادی در سیاستگذاری پولی دارد. سیاستگذار پولی تلاش می‌کند تا با کنترل انتظارات تورمی در بلندمدت از نوسانات کوتاه‌مدت تورم برای ثبات‌سازی در اقتصاد بهره ببرد. به این معنا که وقتی انتظارات در بلندمدت مطابق روند موردانتظار سیاستگذار باشد، سیاستگذار می‌تواند به منظور دستیابی به اهداف سیاستگذاری خود و به عنوان مثال برای مقابله با رکود برخی نوسانات را در تورم کوتاه‌مدت ایجاد کند. به همین جهت است که کنترل انتظارات یکی از برنامه‌های اصلی سیاستگذار پولی است. با وجود اهمیت بسیار بالای محاسبه انتظارات تورمی، این شاخص در ایران یا محاسبه نمی‌شود و یا در صورت محاسبه، اعلام عمومی نمی‌شود. این درحالی است که سیاستگذار باید با اعلام عمومی شاخص انتظارات تورمی و هدفگذاری آن سیاست پولی را در جهت شکل‌دهی انتظارات تورمی تنظیم کند. به همین جهت برآورد انتظارات تورمی در ایران می‌تواند کمک قابل توجهی به بهبود سیاستگذاری‌ها کند. در گزارش پیش‌رو به دو پژوهش مرکز پژوهش‌های مجلس و مقاله برآورد شاخص انتظارات تورمی مبتنی بر نظرسنجی کیفی اشاره می‌شود.**

اهمیت برآورد تورم انتظاری در سیاستگذاری

یکی از مهم‌ترین لوازم اجرای سیاست‌های پولی با اهداف میانی متفاوت و همچنین عامل مهم در اتخاذ تصمیم برای ورود یا عدم ورود به سیاستگذاری پولی از نوع «هدف‌گذاری نرخ تورم»، آگاهی از تورم انتظاری است. تورم انتظاری مانند «قطب‌نمایی» است که دولت و بانک مرکزی را از مسیر حرکت اقتصاد آگاه می‌کند. تورم انتظاری نشان می‌دهد مردم و آحاد اقتصادی چگونه به سیاست‌های مالی و پولی دولت و بانک مرکزی نگاه می‌کنند. این موجب می‌شود بخش بزرگی از تورم در آینده ناشی از انتظارات تورمی امروز باشد. بانک تسویه بین‌المللی در بولتن شماره ۵۱ خود (مارس ۲۰۲۲) به بررسی هدف‌گذاری تورم و لنگر کردن تورم در اقتصادهای درحال توسعه و توسعه‌یافته پرداخته است. در آن گزارش آمده است که لنگر کردن انتظارات تورمی در سال‌های گذشته بسیار موفق بوده و این ثبات ابزار مناسبی را در اختیار بانک‌های مرکزی قرار داده است تا در دوران کرونا نیز بتوانند سیاست‌های خود را به‌خوبی دنبال کنند.

در سال‌های اخیر مشکلات به‌وجود آمده به‌دلیل شیوع کرونا و اجرای سیاست‌های انبساطی مالی و همچنین جنگ اوکراین و افزایش قیمت انرژی، موجب افزایش تورم در بیشتر کشورهای دنیا و به‌خصوص اقتصادهای پیشرفته شده است. سوال این است که آیا تورم حاصل از این مشکلات موجب شده است لنگر اسمی تضعیف شود؟ زیرا اگر انتظارات تورمی لنگر و ثبات خود را از دست نداده باشد، بانک‌های مرکزی می‌توانند امیدوار باشند که اعمال سیاست‌های انبساطی منجر به کاهش اعتماد آحاد اقتصادی مبنی بر توانمندی بانک مرکزی در حفظ تورم هدف در سطح اعلام شده، نشده است، اما اگر انتظارات تورمی بلندمدت از سطح تورم هدف‌گذاری شده بانک مرکزی فاصله گرفته باشد، نشان می‌دهد تداوم سیاست‌های انبساطی منجر به تضعیف لنگر اسمی و تضعیف اعتبار مقام پولی خواهد شد.

این موضوع اهمیت بسیار بالای انتظارات تورمی و لنگر کردن آن را نشان می‌دهد، یعنی اگر بانک‌های مرکزی در دوران قبل از کرونا در لنگر کردن انتظارات تورمی موفق عمل کرده باشند، مردم افزایش تورم در دوران کرونا را اتفاقی موقتی تلقی کرده و تنها تورم انتظاری کوتاه‌مدت را تعدیل می‌کنند و در بلندمدت با لنگر شدن انتظارت تورمی، انتظار افزایش نرخ تورم را ندارد. این موضوع به بانک مرکزی کمک می‌کند ضمن کنترل تورم، سیاست‌های مورد نظر را در پیش بگیرد. اما آن دسته از بانک‌های مرکزی که پیش از کرونا نتوانستند در لنگر کردن انتظارات تورمی موفق عمل کنند، در حال حاضر با چالش اساسی مواجه خواهند شد، زیرا انتظارات تورمی در بلندمدت افزایشی بوده و در این صورت درحالی‌که انبساط دوران کرونا رخ داده و شاخص قیمت‌ها از منظر محدودیت‌های زنجیره تامین و افزایش قیمت انرژی نیز به‌سمت افزایشی حرکت می‌کند، سیاست پولی با چالش جدی مواجه خواهد بود.

دو فاکتور را می‌توان برای بررسی موفقیت هدف‌گذاری تورمی در نظر داشت. فاکتور اول نوسانات انتظارات تورمی است. پایین بودن نوسانات فاصله انتظارات تورمی از نرخ تورم هدف‌گذاری شده نشان از این دارد آحاد اقتصادی به لنگر بودن انتظارات اعتقاد دارند. فاکتور دوم مقدار افزایش تورم در زمان وقوع اتفاقات غیرمترقبه است. اگر به هنگام وقوع حوادث غیرمترقبه جهش تورمی کوچک باشد، می‌توان هدف‌گذاری تورمی را موفق دانست، زیرا توانسته است این اطمینان را به آحاد اقتصادی بدهد که این اتفاق گذراست و بر مسیر میان‌مدت و بلندمدت تورم تاثیری نخواهد داشت. نتایج تحقیق بولتن برای دوران قبل از کرونا نشان می‌دهد اولا نوسانات انتظارات تورمی در کشورهای درحال توسعه در ۱۰ سال گذشته رو به کاهش بوده، ثانیا انتظارات تورمی در اکثر کشورها به نرخ هدف‌گذاری نزدیک بوده است. اما در فاکتور سوم نتایج متفاوت است و کشورها، چه توسعه‌یافته و چه درحال توسعه، برخی موفق بوده‌اند و برخی موفق نبوده‌اند.

اما این هدف‌گذاری موفق انتظارات تورمی که پیش از کرونا رخ داده چه دستاوردی برای بانک‌های مرکزی داشته است؟ تحقیق بولتن برای دوران کرونا نشان می‌دهد انتظارات تورمی کوتاه‌مدت به‌جای دنبال کردن هدف تورمی، خود تورم را دنبال کرده و اختلاف‌نظر بین پاسخ‌دهندگان نیز زیاد بوده است. اما انتظارات تورمی بلندمدت کاملا هدف تورمی را دنبال کرده و اختلاف‌نظر بین پاسخ‌دهندگان بسیار اندک بوده است. این نتیجه بانک‌های مرکزی را امیدوار کرده بتوانند رکود کوتاه‌مدت را، بدون اینکه به سیاست ثبات تورم بلندمدت آنها ضرر بزنند، با استفاده از سیاست‌های انبساطی کاهش دهند.

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد برآورد و به‌کارگیری تورم انتظاری جزء مهم‌ترین وظایف سیاستگذار پولی است، زیرا پایه تمامی سیاستگذاری‌ها پولی بوده و از طرفی تجربه استفاده از آن در دهه‌های گذشته و در اقتصادهای درحال توسعه و توسعه‌یافته بسیار موفق بوده است. بنابراین در جمع‌بندی کلی نقش انتظارات در سیاستگذاری پولی از دو منظر دارای اهمیت است:

۱ برآورد انتظارات تورمی

اینکه بانک مرکزی برآوردی از تورم انتظاری داشته باشد در نوع سیاستگذاری و همچنین تورمی که در آینده محقق می‌شود، موثر است. در همین مثال کرونا که در بالا مطرح شد، بانک‌های مرکزی با توجه به تورم انتظاری بلندمدت، تصمیم خواهند گرفت امروز چه سیاستی را اجرا کنند. درصورتی‌که بانک مرکزی اطلاعی از تورم انتظاری بلندمدت نداشته باشد، ممکن است مسیر اشتباهی برای سیاستگذاری پولی انتخاب کند که درنهایت منجر به بی‌ثباتی بازار شود.

همچنان‌که مطرح شد، در دوران سیاست‌های انبساطی کرونا که منجر به افزایش تورم شد، اگر بانک مرکزی مشاهده کند انتظارات بلندمدت لنگر نشده و افزایش یافته است، ادامه سیاست پولی انبساطی منجر به افزایش بیش از پیش تورم شده و بی‌ثباتی زیادی را ایجاد می‌کند. بنابراین صرف‌نظر از اینکه تورم انتظاری لنگر شده است یا خیر، اطلاع و برآورد آن نقش موثری در سیاستگذاری خواهد شد.

۲ لنگر کردن انتظارات تورمی

در کنار برآورد انتظارات تورمی، میزان لنگر شدن انتظارات تورمی نیز همان‌طور که در بالا اشاره شد، بر نحوه سیاستگذاری موثر خواهد بود. به نحوی که در مثال سیاستگذاری پولی در دوران کرونا، لنگر شدن یا نشدن تورم انتظاری در بلندمدت، تاثیر بسیاری در نوع سیاستگذاری در کوتاه‌مدت (انبساطی و انقباضی) داشته و بانک‌های مرکزی‌ای که توانسته بودند انتظارات در بلندمدت را کنترل کنند، موفقیت بیشتری در اجرای سیاست‌های کوتاه‌مدت داشتند.

برآورد تورم انتظاری

تورم انتظاری یکی از پیچیده‌ترین شاخص‌هایی است که در اقتصاد برآورد می‌شود. درحقیقت برآورد انتظارات تورمی را می‌توان تلاقی‌ای از اقتصاد رفتاری با مدل‌سازی در اقتصاد دانست. در اقتصاد متغیرهای متعددی هستند که محاسبه، برآورد یا پیش‌بینی می‌شوند، اما برآورد متغیرهایی که معطوف به نحوه فکر کردن افراد بوده و پیش‌بینی رفتار آحاد اقتصادی است، از پیچیدگی‌های بسیاری برخوردار است.

مطالعات در ادبیات اقتصاد رفتاری نشان می‌دهد دید مصرف‌کننده‌ها به تورم نسبت به متخصصان و فعالان اقتصادی در جنبه‌های مختلف متفاوت است. مصرف‌کننده‌ها معمولا تورم را بیشتر و باثبات‌تر از آنچه هست، می‌بینند. آنها برای تخمین تورم تنها از قیمت چند کالای خاص و البته مهم مانند قیمت خوراکی‌های روزمره مثل ساندویچ و نوشابه و قیمت بنزین استفاده می‌کنند. از طرفی تخمین ذهنی مصرف‌کننده‌ها از تورم، بسیار به شرایط دموگرافیک آنها مانند سن، جنسیت، محل زندگی، سطح سواد و دیدگاه سیاسی آنها بستگی دارد. همچنین اتفاقات و بحران‌های بزرگ مانند رکودها و جهش‌های جهانی قیمت‌ها (نفت یا کالاهای اساسی) ذهنیت آنها را نسبت به تورم تا آخر زندگی‌شان تحت تاثیر قرار داده و در ذهن افراد تورش به‌سمت بالا ایجاد می‌کند.

برای تدقیق در نحوه نگاه مصرف‌کننده به پدیده تورم پیزینلی در مقاله (پیزینلی و همکاران ۲۰۲۲) با طرح پرسش از حدود ۶۵۰۰ نفر مصرف‌کننده از عموم مردم و ۱۵۰۰ نفر متخصص و فعال اقتصادی، ذهنیت آنها نسبت به چهار شوک مهم اقتصادی را بررسی کرده است. سوال این‌گونه بوده است که اگر چهار شوک ۱. افزایش قیمت نفت به‌دلیل شوک عرضه ۲. افزایش نرخ مالیات بر درآمد ۳. افزایش مخارج دولت و ۴. افزایش نرخ بهره بانکی بر اقتصاد وارد شود، انتظار می‌رود قیمت‌ها افزایش یابد یا کاهش قیمت‌ها اتفاق می‌افتد. این سوالات در مورد نرخ بیکاری نیز پرسیده شده است.

نتایج نشان داده نه‌تنها مصرف‌کننده‌ها نسبت به متخصصان جواب‌های با واریانس بالاتری ارائه داده‌اند، بلکه در دو مورد تغییر هزینه‌های دولت و تغییر نرخ بهره بانکی، جواب این دو گروه کاملا متضاد با یکدیگر بوده است. با پرسش در مورد نحوه نگاه دو گروه، مشاهده شده است که در موارد اختلافی مصرف‌کننده‌ها بیشتر بر یک عامل عرضه یا تقاضا نگاه کرده‌اند، ولی متخصصان همزمان توانسته‌اند عرضه و تقاضا را در ذهن خود تحلیل کنند. برای مثال در مورد شوک افزایش نرخ بهره بانکی، مصرف‌کننده‌ها به این اشاره کرده‌اند که افزایش نرخ بهره هزینه‌های تامین مالی بنگاه را افزایش داده و موجب افزایش سطح قیمت‌ها می‌شود. در مقابل متخصصان با درنظر گرفتن کل اقتصاد نتیجه گرفته‌اند با اینکه هزینه تامین مالی بنگاه افزایش می‌یابد، اما از طرفی دیگر افزایش نرخ بهره، پس‌انداز در کل اقتصاد را افزایش و مصرف را کاهش می‌دهد که موجب می‌شود سطح قیمت‌ها پایین بیاید.

بنابراین لازم است در تحلیل انتظارات تورمی مردم از روش‌های مختلف و متنوع استفاده شود که بتوان هم نظر متخصصان را درنظر گرفت و هم نظر عموم مصرف‌کننده‌ها مدنظر قرار گیرد. همچنین تا جای ممکن تورش‌های ذهنی بیشتری تشخیص داده شود تا بتوان آنها را از نتایج خام انتظارات تورمی خارج کرد. در مقابل لازم است سیاستگذار با افزایش شفافیت در توضیح نحوه سیاستگذاری و ارائه چهارچوب فکری خود به‌صورت ساده و برای عموم مردم، نحوه نگاه مردم به کارکرد کل اقتصاد در حالت تعادل عمومی را اصلاح کرده و از این طریق تورش‌های ذهنی جامعه را کاهش دهد. بنابراین درحالی‌که در قدیم روش پرسشنامه‌ای برای برآورد انتظارات تورمی تنها شیوه مورد استفاده بوده است، درحال حاضر به‌منظور درک بهتری از انتظارات تورمی، روش‌های دیگری نیز وارد ادبیات این حوزه شده است.

۱ روش‌های پرسشنامه‌ای

استفاده از پرسشنامه یکی از قدیمی‌ترین و اصلی‌ترین روش‌های برآورد انتظارات تورمی است. از دیرباز این روش در بانک‌های مرکزی دنیا و موسسات نظرسنجی مورد استفاده قرار گرفته است. انواع نظرسنجی از مردم، نخبگان و صاحبان کسب‌وکار، برای برآورد تورم انتظاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. نکته بسیار مهم آن است که این نظرسنجی‌ها باید مستمر بوده و برای بازه زمانی طولانی صورت گیرد تا روندهای به دست آمده قابل تفسیر باشد.

۲ مدل‌سازی براساس بازارهای مالی (داده‌های بازارآتی ایران)

با وجود آنکه پرسشنامه‌ها از قدیمی‌ترین و کاربردی‌ترین راه‌های تخمین انتظارات تورمی است، با گذشت زمان بانک‌های مرکزی دنیا از روش‌های دیگری نیز جهت تکمیل و بهبود نتایج پرسشنامه‌ای بهره برده‌اند. به‌عنوان مثال فدرال رزرو از مجموعه‌ای از پرسشنامه‌های خانوار، متخصصان، اطلاعات بازارهای مالی (اوراق قرضه مصون از تورم) و نظایر آن برای برآورد انتظارات تورمی استفاده می‌کند. این بانک براساس هر یک از این پرسشنامه‌ها یا اطلاعات دیگر، تخمینی از تورم انتظاری به‌دست می‌آورد؛ سپس با استفاده از یک مدل‌سنجی، شاخص انتظارات تورمی را از مجموع شاخص‌های برآورد شده (۲۱ شاخص) به‌دست می‌آورد. این شاخص دارای دو کاربرد است:

الف- برآورد جهت انتظارات تورمی (افزایشی یا کاهشی)

این شاخص دارای میانگین صفر است و به همین جهت، سطح عدد آن هیچ معنایی به‌لحاظ اقتصادی ندارد، بلکه جهت آن است که مهم می‌باشد. بالاتر از صفر به معنای آن است که انتظارات درحال افزایش بوده و پایین‌تر به معنای کاهش در انتظارات تورمی است.

ب- برآورد سطح عدد تورم انتظاری

برای به دست آوردن معیاری به‌منظور سطح تورم انتظاری در بلندمدت، یعنی تورمی که به‌واسطه انتظارات از سیاست‌های پولی شکل می‌گیرد و نه اتفاقات گذرا مانند حادثه یازدهم سپتامبر و نظایر آن، از شاخص انتظارات تورمی به‌دست آمده از پرسشنامه انتظارات ۱۰ساله متخصصان استفاده می‌شود. در این مدل، شاخص به‌دست آمده از پرسشنامه متخصصان به‌عنوان معیار انتخاب شده و شاخص تخمین زده شده برای انتظارات تورمی (که در بالا عنوان شد و دارای میانگین صفر بوده و فقط جهت را نشان می‌دهد) روی شاخص به‌دست آمده از پرسشنامه متخصصان تصویر می‌شود. زیرا فدرال رزرو معتقد است در بین شاخص‌های انتظارات تورمی، شاخص به‌دست آمده از پرسشنامه متخصصان، بهترین تخمین را به دست داده و می‌تواند به‌عنوان معیار انتخاب شود.

بنابراین درمجموع، برای برآورد تورم انتظاری نمی‌توان تنها به نتایج یک پرسشنامه اکتفا کرد و لازم است از روش‌های متعددی بهره برده و به تخمینی با استفاده از مجموع روش‌ها دست یافت. یکی از راه‌های تخمین تورم انتظاری استفاده از اوراق بهاداری است که به‌نوعی به آینده و همچنین تورم بستگی دارند. برای مثال در بیشتر کشورها دولت‌ها اوراق قرضه مصون از تورم منتشر می‌کنند. این اوراق علاوه‌بر نرخ بازده بدون ریسک، نرخ تورم را نیز پوشش می‌دهند. اصطلاحا این اوراق، اوراق قرضه حقیقی نامیده می‌شوند. تفاوت نرخ سود این اوراق با اوراق قرضه معمولی (اسمی) را می‌توان به‌نوعی انتظارات تورمی فعالان بازار در بازه زمانی حال تا سررسید اوراق دانست. متاسفانه در ایران اوراق قرضه مصون از تورم منتشر نمی‌شود. بنابراین استفاده از این روش برای اقتصاد ایران ممکن نیست. اوراق بهادار دیگر که می‌توان برای تخمین تورم انتظاری استفاده کرد، اوراق معاملات در بازارهای آتی است. معامله‌گرها علاوه‌بر نرخ بازده اقتصاد، توجه می‌کنند که مقدار تورم در بازه زمانی معامله تا سررسید چقدر خواهد بود. در اقتصاد ایران این اوراق در قالب «قراردادهای آتی خرید/ فروش کالا» در بورس کالای ایران ارائه می‌شود. در بورس کالای ایران قراردادهای آتی برای خرید و فروش کالاهای مختلفی وجود دارد. معمولا قراردادهای آتی در سررسیدهای با فاصله دوماهه ارائه می‌شوند. بر این اساس در هر زمانی که به بازار مراجعه شود، نزدیک‌ترین سررسید بین یک الی ۶۰ روز آینده خواهد بود. داده‌های معاملات بازار کالا که تحت مدیریت شرکت بورس کالای ایران انجام می‌گیرد به‌صورت برخط در دسترس است و داده‌های تاریخی با تواتر روزانه و بالاتر (تواتر یک ساعت، نیم‌ساعت و زیر نیم‌ساعت) در سامانه‌های کارگزاری‌های مربوطه موجود و قابل استفاده برای عموم است. دو کالای مهم در این بازار که حجم و ارزش معاملات آنها بالا بوده و بازارشان عمق مناسبی دارد، زعفران و صندوق طلای لوتوس است. این دو کالا در بازار بورس نیز به‌صورت گواهی معامله می‌شوند و قیمت نقدی آنها نیز مشخص است.

روش‌های برآورد انتظارات تورمی

گزارش دیگر درخصوص برآورد انتظارات تورمی مقاله‌ای است که محمدرضا عبداللهی و شیما نمازی‌زواره تحت‌عنوان «برآورد شاخص انتظارات تورمی مبتنی بر نظرسنجی کیفی» در مجله پژوهشی پژوهشنامه اقتصاد کلان به چاپ رسانده‌اند. در این مقاله آمده توانایی اندازه‌گیری دقیق انتظارات تورمی بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست پولی بانک‌های مرکزی در دنیاست. درواقع با توجه به رویکرد فعلی سیاستگذاری پولی که مبتنی بر هدفگذاری تورم است، بانک‌های مرکزی باید آینده‌نگر باشند و سیاست‌های خود را براساس انتظارات افراد از نرخ تورم آتی تنظیم کنند.

انتظارات تورمی نقش مهمی در اجرای موثر سیاست‌های پولی دارند. اگر بانک مرکزی بتواند انتظارات تورمی بلندمدت فعالان اقتصادی را نزدیک به هدف تورمی خود ثابت کند، احتمالا در دستیابی به تورم پایین و باثبات موفق‌تر خواهد بود. درواقع انتظارات تورمی از طریق کانال‌های متعدد بر قیمت‌ها تاثیر می‌گذارد. سرمایه‌گذاران برای اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری به پیش‌بینی‌های قابل‌اعتماد تورم نیاز دارند. بنگاه‌ها برای تعیین قیمت‌ها، سرمایه‌گذاری سرمایه و تصمیم‌گیری در مورد نیازهای استقراضی و نقدینگی باید نرخ تورم مورد انتظار خود را تعیین کنند. همچنین انتظارات تورمی در قراردادهایی بسیار مهم هستند که به‌طور مداوم مورد مذاکره مجدد قرار نمی‌گیرند، مانند دستمزد. مصرف‌کنندگان هنگام تخصیص مصرف بین دوره فعلی و آتی از اطلاعات مربوط به نرخ تورم آتی استفاده می‌کنند. اگر انتظارات تورمی بالا باشد، تمایل مصرف‌کنندگان به مصرف در دوره فعلی افزایش خواهد یافت که این موضوع می‌تواند قیمت‌ها را بیشتر افزایش دهد، بنابراین یک پیش‌نیاز ضروری برای کنترل تورم، کنترل انتظارات تورمی است، درنتیجه اخیرا هم اقتصاددانان و هم سیاستگذاران پولی تلاش خود را صرف مطالعه دقیق این رابطه کرده‌اند. براساس مطالعات مختلف، دستیابی به این هدف حداقل با چهار چالش جدی روبه‌رو است: ۱- اندازه‌گیری انتظارات تورمی، ۲- شناسایی نحوه شکل‌گیری انتظارات تورمی، ۳- درک چگونگی تعامل انتظارات تورمی با سایر متغیرهای اقتصاد کلان و ۴- ارزیابی سیاست‌هایی که بانک مرکزی ممکن است برای تاثیرگذاری بر انتظارات تورمی اتخاذ کند.

بنابراین اندازه‌گیری انتظارات تورمی از اهمیت بسیاری چه در شناسایی مکانیسم شکل‌گیری و درک تعامل آن با متغیرهای اقتصاد کلان و چه در ارزیابی اعتبار بانک مرکزی در دستیابی به هدف تورمی برخوردار خواهد بود. درحال حاضر این شاخص در ایران یا محاسبه نمی‌شود یا در صورت محاسبه، اعلام عمومی نمی‌شود. این درحالی است که سیاستگذار باید با اعلام عمومی شاخص انتظارات تورمی و هدفگذاری آن، سیاست پولی را در جهت شکل‌دهی انتظارات تورمی تنظیم کند. به همین علت برآورد انتظارات تورمی در ایران می‌تواند کمک شایانی در جهت بهبود سیاستگذاری‌ها باشد. در ادبیات روش‌های مختلفی برای محاسبه انتظارات تورمی پیشنهاد شده است. روش‌های اندازه‌گیری انتظارات تورمی را به دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرده‌اند؛ آنهایی که براساس نظرسنجی‌ها انجام می‌شوند و آنهایی که از قیمت برخی ابزارهای مالی استنباط می‌شوند. بااین‌حال در برخی مطالعات روش‌های دیگری مثل استفاده از داده‌های شبکه‌های اجتماعی برای برآورد انتظارات تورمی موردتوجه قرار گرفته‌اند. همچنین انتظارات تورمی را براساس داده‌های جست‌وجوی اینترنتی برآورد کرده‌اند.

علی‌رغم وجود روش‌های مختلف همچنان رایج‌ترین شیوه برای برآورد انتظارات تورمی در دنیا استفاده از داده‌های پرسشنامه‌ای است. نظرسنجی‌های مربوط به انتظارات تورمی در کشورهای مختلف توسط بانک‌های مرکزی، آژانس‌های آمار دولتی و موسسات تحقیقاتی یا شرکت‌های خصوصی انجام می‌شوند. این نظرسنجی‌ها هم از منظر نوع سوالات و هم از منظر نوع پاسخ‌ها قابل بررسی و دسته‌بندی هستند. سوالات در این نظرسنجی‌ها می‌تواند کیفی، کمی یا ترکیبی از سوالات کیفی و کمی باشد. سوالات کیفی معمولا در مورد جهت (افزایش، کاهش یا ثابت ماندن) تورم در یک بازه زمانی معین سوال می‌کنند و نحوه طرح این سوالات از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. از سوی دیگر، سوالات کمی یک بازه از تورم موردانتظار در آینده یا برآوردهای نقطه‌ای از درصد تغییر در تورم را مورد پرسش قرار می‌دهند. در سوالات ترکیبی، ابتدا درخصوص جهت آتی تورم سوال می‌شود، اگر پاسخ، مربوط به افزایش یا کاهش این متغیر باشد، تخمین نقطه‌ای درخواست یا محدوده درصدی انتخاب می‌شود. از منظر نوع پاسخ‌ها، نظرسنجی‌های کیفی به دو گروه نظرسنجی‌های سه‌گانه و نظرسنجی‌های چندگانه تقسیم می‌شوند. نظرسنجی‌های سه‌گانه سه دسته پاسخ ممکن دارند که با تمرکز بر انتظارات قیمتی عبارتند از قیمت‌ها «افزایش خواهد یافت»، «کاهش خواهد یافت» و «تغییری نخواهد کرد». نظرسنجی‌های چندگانه دارای پنج دسته پاسخ زیر هستند؛ قیمت‌ها «کاهش می‌یابند»، «ثابت می‌مانند»، «با سرعت کمتری افزایش می‌یابند»، «با همان نرخ افزایش می‌یابند» یا «با سرعت بیشتری افزایش می‌یابند». به‌طورکلی در اکثر نظرسنجی‌های کیفی از پاسخ‌های چندگانه استفاده می‌شود. در ادبیات روش‌های مختلفی برای برآورد انتظارات تورمی براساس نظرسنجی‌های کیفی پیشنهاد شده که هریک ویژگی‌های خاص خود را دارند.

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
قائم‌مقام مدیرمسئول:
مسعود فروغی
سردبیر:
محمد زعیم‌زاده
تلفن و فکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم